

متغیر منصور

- مجموعه داستان -

یعقوب یادعلی



فهرست

| | |
|-----|------------------------------|
| ۷ | من ودنی و فیلدل |
| ۳۷ | سمیره‌ها (۲) |
| ۴۹ | متغیر منصور |
| ۶۷ | میّت |
| ۹۳ | شرح نامشروح آرایش نامه |
| ۱۰۹ | برف |

من و دنی و فیدل

دنی مثل دیروز، با همان لباسِ کارِ شُل و ول، روی پله‌های نیمه‌ساخته‌ی جلو خانه نشسته و دارد میخ‌کوبِ برقی‌اش را پُر می‌کند. امروز هم کار را تعطیل نکرده؟ یعنی نشنیده خبر را؟ دنی صاحب‌خانه‌ی من است؛ یک کوباییِ تبعیدی که پنجاه و چند سال پیش وقتی بچه بود، به امریکا آمد. پدرش از مخالفان فیدل کاسترو بود که جان خودش و زن و دو بچه‌اش را برداشت، فرار کرد. این همه‌ی چیزی است که از او می‌دانم. دنی هیچ‌وقت از گذشته حرف نمی‌زند. این‌ها را از تک‌جمله‌های جسته‌و‌گریخته که گاهی از دهانش می‌پرد، کنار هم گذاشته‌ام. بعید نیست او هم مثل پدرش مخالف کاسترو باشد؛ منتها راثول کاسترو، برادر فیدل. چون یکی دوبار اسم راثول را آورده ولی اشاره‌ای به فیدل نمی‌کند. لابد برای این که فیدل دیگر در کوبا کاره‌ای نیست. البته این‌ها استنباط من است. ما هیچ‌وقت زک‌وراست از سیاست حرف نمی‌زنیم. نه من چیزی از کوبا می‌پرسم، نه دنی از ایران. نه دنی از کوبا شکایت می‌کند، نه من از ایران. باین حال، من همیشه مترصد فرصتم تا به هر بهانه از کشورم تعریف کنم، دنی هیچ‌وقت از کوبا تعریف نمی‌کند.

نمی‌دانم باید به دنی تبریک بگویم یا تسلیت. یا اصلاً هیچ. می‌شود اتفاقی به این مهمی بیفتد و درباره‌اش حرف نزنیم؟ هر چه هم از سیاست و اهل بی‌پدر و مادرش ضربه خورده باشیم، مرگ فیدل را نمی‌شود نادیده گرفت. دوست و دشمن دارند حرفش را می‌زنند.